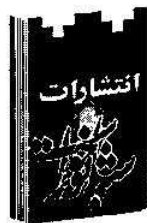


جا کلید

مجموعه اشعار

دنیا اشکان فر



خرم آباد
انتشارات شاپورخواست
۱۳۹۶

سرشناسه : اشکان فر، دنیا، ۱۳۶۲.
 عنوان و نام پدیدآور : جاکلید (مجموعه اشعار) / دنیا اشکان فر.
 مشخصات نشر : خرم آباد: انتشارات شاپورخواست، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۲۲۷ ص.
 شابک : ISBN: 978-600-260-200 - 8
 وضعیت فهرست‌نویسی : فی‌پای مختصر
 یادداشت : فهرست‌نویسی کامل این اثر در
 نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.
 شماره کتاب‌شناسی ملی : ۳۸۰۷۴۲۸



انتشارات شاپورخواست

خرم‌آباد، همراه: ۰۹۱۶۳۹۸۴۰۱۱

www.Shapour-khosh.com

Email: info@shapour-khosh.com

جاکلید
 (مجموعه اشعار)

سروده

دنیا اشکان فر

آمور کامپیوتری: ثریا ساکی - طرح جلد: حسن نجف‌زاده

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه - نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

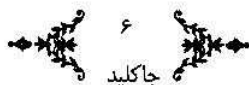
لیتوگرافی: آفتاب - چاپ: زیتون

شابک: ۸ - ۲۰۰ - ۲۶۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

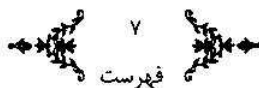
بها: ۱۶۰۰۰ تومان

فهرست

صفحه	عنوان
۱۳	مقدمه
	دلتنگی
۱۹	اسماد
۲۰	افسوس
۲۱	احساس
۲۲	اسیر
۲۳	آینده
۲۴	آزمایش
۲۵	بهار
۲۶	بی‌پناه
۲۷	دلتنگی
۲۹	دوست
۳۱	ایهام
۳۲	آخر دنیا
۳۳	ایستگاه
۳۴	فاصله
۳۵	قاب
۳۶	قمار



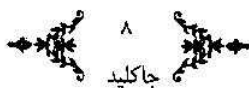
۳۷	هدف
۳۸	حقیقت
۴۰	همراه
۴۱	همزاد
۴۳	حسرت
۴۴	عشدار
۴۵	کابوس
۴۸	کویر
۴۹	خاکستر
۵۰	خیال
۵۱	مادر
۵۳	نفس
۵۴	نگاه
۵۵	پرنده مهاجر
۵۷	برده اسرار
۵۸	راه خطا
۵۹	راز نهفته
۶۰	رؤیا
۶۲	روی دوم
۶۳	روز موعود



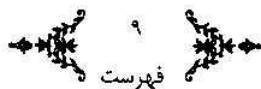
۶۴	سراب
۶۵	سرنوشت
۶۸	سکوت
۶۹	طاهر
۷۰	زمانه
۷۲	صالح
۷۳	زندگی

قاصدک

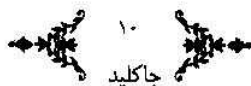
۷۷	انتظار
۷۸	انتقام
۷۹	آرزو
۸۰	اشک سرد
۸۱	اسرار
۸۲	بازیچه
۸۳	بغض
۸۴	آینده
۸۶	درمان
۸۷	دریادیده
۸۸	دست‌نوشته
۸۹	دل‌باخته



- ۹۰ دنیا
- ۹۱ دروغ
- ۹۲ فانوس
- ۹۳ فریاد
- ۹۴ قفس
- ۹۵ عربیه
- ۹۶ قاسدک
- ۹۷ قایق
- ۹۸ گُل
- ۹۹ گُلبرگ
- ۱۰۰ همدل
- ۱۰۱ هجوم
- ۱۰۲ خاک
- ۱۰۳ خاموش
- ۱۰۴ خورشید
- ۱۰۵ خطوط
- ۱۰۶ کوچ
- ۱۰۷ لبخند
- ۱۰۸ مجنون
- ۱۰۹ مرام



۱۱۰	معصوم
۱۱۱	مهره
۱۱۲	مژگان
۱۱۳	مرداب
۱۱۴	مسافر
۱۱۵	نماز
۱۱۶	نور
۱۱۸	امید
۱۱۹	پرده سیاه
۱۲۱	پلک
۱۲۲	راه سپید
۱۲۳	سعادت
۱۲۴	صبا
۱۲۵	ستاره
۱۲۶	صدا
۱۲۷	شمع
۱۲۸	سیرت
۱۲۹	سُکّان
۱۳۰	صورت
۱۳۱	سرود باد
۱۳۳	صُور



۱۳۴	تجربه
۱۳۵	تنفر
۱۳۶	طنین
۱۳۷	تصویر
۱۳۸	توفان
۱۳۹	یاس
۱۴۰	زمرمه

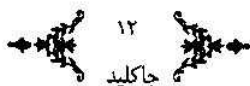
خواب

۱۴۳	عاشق
۱۴۴	بادبان
۱۴۵	بی گناه
۱۴۷	دل شکسته
۱۴۸	اشتباه
۱۴۹	گرفتار
۱۵۰	قلب سنگی
۱۵۱	قسم خورده
۱۵۳	قسمت
۱۵۵	گمراه
۱۵۶	همراز
۱۵۷	جاکلید

۱۵۹	جاودانه
۱۶۱	کاش
۱۶۳	خواب
۱۶۵	نیاز
۱۶۷	پایان
۱۶۹	پرواز
۱۷۱	پرواز
۱۷۲	راز من
۱۷۳	صفا
۱۷۵	سُنبِل
۱۷۶	سردرگم
۱۷۸	شب
۱۸۰	سرود اشک
۱۸۲	تپش
۱۸۳	طلسم
۱۸۵	وصال
۱۸۶	یادگار
۱۸۷	زائر

ساحل

۱۹۳	عطا
-----	-----



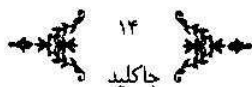
۱۹۵	بی قرار
۱۹۷	بیگانه
۲۰۰	دیدار
۲۰۲	اعتصاب
۲۰۴	انتظار
۲۰۶	غریب
۲۰۷	غریب
۲۰۹	غروب
۲۱۱	جام بهار
۲۱۲	جام عشق
۲۱۳	معکوس
۲۱۵	محراب
۲۱۷	مصرع
۲۱۸	معمای من
۲۱۹	راز ماه
۲۲۱	ساحل
۲۲۳	سامان
۲۲۴	ثنا
۲۲۶	سرنوشت

مقدمه

زندگی ایستادگی، دنگ، مفهوم به ما تفهیم شد که اگر دوباره به دنیا بیایم بازم توی مسیر روشنایی و نور گم میشیم، حتی اگر بخوایم اشتباهاتمون رو تکرار نکنیم، این خود اشتباهات هستن که با گرهی محکم به سرنوشتمون وصل شدن.

این خطاها رو خطاب به پسر من آینده می نویسم: تو زندگی از رویاهات دست نکش حتی اگر صد بار دست خور دی باز سعی کن هر شب خواب پرواز رو ببینی، به این فکر کن به راهی جایی به نفر میاد وارد زندگیت میشه و تو رو خوشبخت می کنه به این فکر کن که تمام زندگی دست خودته. چه بخوای چه نخوای این ترسیدی که انتخاب می کنی. چراغ های زندگیت رو از دست نده، پل هاتو نساز، هیچ وقت به حرف دیگری اعتنا نکن که بهت میگه: نمیشه، نمی تونی، نکن، همیشه خواستن توانسته.

یاد بگیر که خدا اولین راه زندگیت باشه، حتی اگر همه دنیا ریاکار بودن، تو خدا رو در آغوش بگیر.



یاد بگیر که جز دست خدا هیچ دستی به تو کمک نمی‌کند، برای رسیدن به آینده‌ای پر از طلوع‌هایی غیر منتظره باید گفت: توکلت الی الله، باید راضی بود به قسمت الهی و تلاش کرد.

از تجربیات تلخ دیگران عبرت بگیر، نخواه که اونا رو مزه کنی. برای آرامش زندگیت سعی کن ببخشی، بگذری، آرام لبخند بزنی، اما اگه دیدی کسی از خوبی‌هات نرده‌بومی از کینه می‌سازه براش مثل آتیش جهنم شعله‌ور می‌گیره که جواب خوبی بدی نیست.

نده‌ی نباید بشیید تا دیگران بفهمند کارهای بدشون چه تاوان‌هایی می‌تونه در سشت داشته باشه.

گاهی باید سبرد سادت خدا و رها شد تو خیالی پاک و بی‌آلایش مثل طواف کعبه.

پسرم سعی کن بعد از من زندگی خوبی رو شروع کنی و با نبودنم احساس تنهایی نداشته باشی. می‌باشتم هر روز در کنارت زنده خواهم موند ... دوستت دارم.

امروز من در تاریکی زندگیت قدم برمیدارم و می‌روم

می‌روم و با عبور مه‌گرفته دیوار اتاق

خلاصه زندگیم را در این خط‌ها می‌نویسم

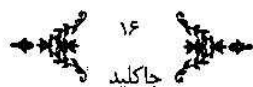
حال بشنو

بعد رفتنم رفتن‌ها آغاز می‌شود

قدم می‌زنم، با مردنم پاییز مرگ را به ارمغان می‌آورم

بعد مردنم (رستاخیز مرگ برپا می‌شود)

بعد من آخر دنیاست، چون خودم آخر دنیا،
 من گردباد حسرتم را در پیات خونین می‌فرستم
 اشک‌هایم را در نگاه احمقانه‌ات می‌گنجانم
 تازیانه‌هایی بر بدن بی‌پناهم، این سال‌ها می‌تازم
 تا بفهمم که در این غربت چه‌ها کشیده‌ام،
 من سردهای غم‌انگیز زندگیم را در این خط‌ها می‌گنجانم
 تا بعد سال‌ها ببینم که چه‌ها شنیده‌ام،
 روزهایم به ماه، گاه خاکستر بعد باران که شعله‌ور می‌شد از خشم توفان
 حال تو بخند، بخند، خوش باش
 خوش بساز به کوی من، که دوامی نیست
 این خنده‌هایت سال‌هاست، منم نفرین گرفته‌اند،
 می‌رسد آن روز که دست بر پاقر می‌شود
 رگ می‌زند، عزیزترینت به حکم من،
 می‌رسد آن روز که دست بر جادو می‌زند
 آوار می‌کند زندگی، به حکم من،
 خدایم در این نزدیکی‌ست
 به دیدارش نایل شده‌ام
 تو همچنان بخند و بگو دیوانه‌ام،
 آری بگو
 دیوانه نبودم، دیوانه‌ام کردی
 می‌رسد روزی که جواب رگ سوخته‌هایم را
 با قطره‌های خون عزیزت می‌دهی



من همین جام، در نوشته هایم

حتی اگر نباشم

عذاب بکش

که زین پس با خوانش شعرهایم نفرین هایم روبروی توست.

۱۳۹۶/۵/۲۷

و در آخر؛ با تشکر فراوان از استاد سیدیدالله ستوده مدیر انتشارات

شماره ۱۳۹۶/۵/۲۷ و سرکار خانم ثریا ساکی که در چاپ این مجموعه مرا یاری

رساند. با امید توفیق بیش از پیش خداوند منان برای این عزیزان.